

تمایز یافتگی و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان

عبدالناصر کر^۱، دکتر ابوالقاسم خوش‌کنش^۲، حمید حیدری^۳، علی سروستانی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه شهید بهشتی

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه اصفهان

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان بود. جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول دبیرستان شهرستان ورامین می‌باشد. حجم نمونه شامل ۱۱۰ دانش‌آموز پسر و ۱۰۰ دانش‌آموز دختر است که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه خودتمایزسازی (اسکورن و فریلندر، ۱۹۹۸) و پرسشنامه سازگاری اجتماعی کالیفرنیا استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهند که بین تمایز یافتگی و سازگاری اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین مؤلفه‌های تمایز یافتگی از قدرت پیش‌بینی قابل قبولی در پیش‌بینی سازگاری اجتماعی برخوردار است. نکته دیگر آنکه میان دانش‌آموزان دختر و پسر در برخی از مؤلفه‌های تمایز یافتگی و نیز نمره کل تفاوت معناداری وجود دارد. تمایز یافتگی با تقویت سلامت روان، زمینه بهبود روابط بین فردی، همچنین بهزیستی عاطفی و سازگاری اجتماعی را فراهم می‌کند که این عامل باعث می‌شود افراد در زندگی خود موفق‌تر عمل نمایند. در تبیین احتمالی تفاوت موجود میان دختران و پسران در تمایز یافتگی نیز می‌توان الگوهای فرهنگی را در این امر بسیار دخیل هستند.

کلید واژه‌ها: تمایز یافتگی؛ سازگاری اجتماعی؛ دانش‌آموز

مقدمه

دوران نوجوانی از پر اهمیت‌ترین دوره‌های زندگی هر فردی می‌باشد، زیرا با تغییرات زیادی در روابط اجتماعی و بین فردی دانش‌آموزان همراه است. یکی از مهمترین مسائلی که نوجوانان در این برهه از زندگی خود با آن مواجه می‌شوند، کسب استقلال عاطفی نسبی از خانواده است. در این دوران کودک تبدیل به نوجوان شده و دنیا را به شکل جدیدی درک خواهد کرد، همچنین در این دوران تحول، نوجوان سعی در ایجاد یک هویت و درک یکپارچه از خویشتن دارد و چه بسا دید خود را نسبت به زندگی در این دوران دگرگون کند. خانواده به عنوان نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت افراد، اساسی‌ترین عامل به وجود آورنده تمایز یافتگی یا استقلال عاطفی افراد است (سلیمان نژاد، ۱۳۸۸). تمایز یافتگی مهمترین مفهوم نظریه سیستم‌های خانواده است، که میزان توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلانی و احساسی را نشان می‌دهد. افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب نمایند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیر ارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند (گلدنبرگ، ۲۰۰۰). افرادی که توانایی بیشتری برای تمایز عقل و احساس دارند توانایی بیشتری برای تمرکز بر مشکل خواهند داشت و راحت‌تر می‌توانند با دیگران سازگار شوند (پارا و ایوا، ۲۰۰۹). سازگاری را می‌توان به عنوان یک توانایی در کنار آمدن با شرایط متغیر محیطی در نظر گرفت. سازگاری اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم سازگاری می‌باشد. سازگاری اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین نشانه‌های سلامت روان، از مباحثی است که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روانشناسان و به ویژه مربیان را به خود جلب کرده است (رین و کانینگام، ۲۰۰۸). سازگاری اجتماعی دارای

نشانه‌های خاصی است یکی از نشانه‌های سازگاری اجتماعی داشتن استقلال است و داشتن استقلال یعنی وابسته نبودن به دیگران و تحمل تنهایی به عبارت دیگر در عین با دیگران بودن و تنها بودن (یارمحمدیان و شرفی راد، ۱۳۸۹). بر اساس آنچه ذکر شد می‌توان چنین استدلال کرد که کنترل و مدیریت احساسات و میزان فردیت افراد نقش به‌سزایی در سازگاری اجتماعی آنها خواهد داشت. لذا پژوهش حاضر کوشید با تمرکز بر روی دانش‌آموزان "بین‌تمایزیافتگی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر" را مورد مطالعه قرار داده و نحوه این رابطه را تبیین نماید.

روش

شرکت‌کنندگان پژوهش و طرح پژوهش

طرح این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول دبیرستان شهرستان ورامین در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ می‌باشد. حجم نمونه شامل ۱۱۰ دانش‌آموز پسر و ۱۰۰ دانش‌آموز دختر است که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار

آزمون شخصیتی کالیفرنیا: این آزمون در سال ۱۹۳۵ توسط کلارک و همکاران ساخته شد که دوباره در سال ۱۹۵۳ مورد تجدید نظر قرار گرفت این آزمون جهت سنجش سازگاری کلی بکار می‌رود همچنین این آزمون دارای ۱۸۰ سوال سازگاری از نوع بلی، خیر است که از این ۱۸۰ سوال ۹۰ سوال مربوط به سازگاری شخصی و ۹۰ سوال مربوط به سازگاری اجتماعی است در این پژوهش فقط از سوالات مربوط به قسمت سازگاری اجتماعی استفاده شده است. خدا یاری فرد، رحیمی‌نژاد، هومن و غباری بناب (۱۳۸۶) در پژوهشی اعتبار آزمون را مورد بررسی قرار دادند که اعتبار آزمون از طریق آلفای کرونباخ $0/98$ به‌دست آمد. بینشی (۱۳۸۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در اندازه‌گیری اعتبار آزمون از طریق آلفای کرونباخ $0/83$ را به‌دست آورد.

پرسشنامه خودتمایز سازی (DSI): این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر برای ارزیابی تمایز یافتگی ساخته شده است و شامل ۴۳ سوال و ۴ خرده‌مقیاس (واکنش عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی، آمیختگی با دیگران) است که بر اساس مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شود و یک نمره کل و چهار نمره اختصاصی برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش نات و اسکورن (۲۰۰۴) جهت ارزیابی خود تمایز یافتگی بر روی ۳۶۳ نوجوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله ارائه دادند، اعتبار آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ $0/84$ بدست آوردند (نقل از خزاعی، ۱۳۸۶).

شیوه اجرا

برای گردآوری داده‌ها ابتدا چهار دبیرستان پسرانه و چهار دبیرستان پسرانه مشخص گردید و از هر دبیرستان یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. با وجود داوطلبانه بودن آزمون، تمام نمونه‌ها در آزمون شرکت کردند. پرسشنامه‌ها پس از اجرا و جمع‌آوری توسط نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. روش‌های آماری مورد استفاده شامل: ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه، آزمون لوین و تحلیل واریانس چند متغیره می‌باشد.

نتایج

برای بررسی فرضیه اول پژوهش ابتدا رابطه بین مولفه‌های تمایز یافتگی با سازگاری اجتماعی در دختران و پسرانبا استفاده از ضریب همبستگی پیرسون مورد استنباط قرار می‌گیرد و در مرحله دوم با استفاده از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام پیش‌بین‌ترین مولفه‌ها استخراج می‌شود.

جدول ۱. نتایج ماتریس همبستگی پیرسون در مورد رابطه مؤلفه‌های تمایز یافتگی با سازگاری اجتماعی

	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱							واکنش عاطفی
۲					۰/۲۰۷**	۱	جایگاه من
۳				۰/۱۲۹	۰/۳۹۵**	۱	گریز عاطفی
۴			۰/۳۵۴**	۰/۴۷۴**	۰/۵۱۶**	۱	آمیختگی با دیگران
۵		۰/۷۷۷**	۰/۶۸۲**	۰/۶۶۸**	۰/۶۸۶**	۱	کل تمایز یافتگی
۶	۰/۲۵۰**	۰/۳۷۱**	۰/۲۴۹**	۰/۱۰۴	۰/۳۷۸**	۱	سازگاری اجتماعی

** معناداری در سطح ۰/۰۱

N=۲۲۰

با توجه به داده‌های جدول فوق و با توجه به اینکه مقدار r در سطح ۰/۰۱ در رابطه بین تمایز یافتگی با سازگاری اجتماعی معنادار است، می‌توان گفت بین تمایز یافتگی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه به صورت مستقیم می‌باشد، به این معنی که هر چه فرد در زمینه تمایز یافتگی از میانگین نمرات بالاتری برخوردار باشد، بر میانگین نمرات آنها در زمینه سازگاری اجتماعی افزوده می‌شود و بر عکس.

برای پیش‌بینی سازگاری از روی مولفه‌های تمایز یافتگی از رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده شد. میزان R^2 به دست آمده به میزان ۰/۳۷۸ در واریانس سازگاری اجتماعی تغییر ایجاد می‌گردد و در گام دوم با اضافه شدن مولفه آمیختگی با دیگران به مدل رگرسیون میزان تبیین واریانس به ۱۸/۵ و در گام سوم با اضافه شدن مولفه جایگاه من ۲۹/۷ درصد افزایش پیدا می‌کند.

برای بررسی فرضیه دوم پژوهش با توجه به اینکه بیش از یک متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد از تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) با پیش فرض برابری واریانس درون گروهی با استفاده از آزمون لوین استفاده می‌شود.

پیش فرض استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره به شرط برابری واریانس و نرمال بودن توزیع نمرات افراد نمونه با استفاده از آزمون لوین بر آورد می‌گردد با توجه به عدم معناداری آزمون لوین، اجرای تحلیل واریانس چند متغیره در این پژوهش بلا مانع می‌باشد.

داده‌های جدول نشان می‌دهد که چون مقدار F در سطح ۰/۰۵ در مولفه‌های جایگاه من و نیز نمره کل تمایز یافتگی معنادار است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین مؤلفه‌های مذکور در دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و مقایسه میانگین دو گروه نشان می‌دهد که میزان تمایز یافتگی در دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر می‌باشد.

بحث

نتایج نشان داد بین مولفه‌های تمایز یافتگی و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر رابطه وجود دارد پژوهشی که مستقیماً به بررسی رابطه‌ی همین دو متغیر پرداخته باشد یافت نشد ولی نتیجه به طور نسبی با نتایج پژوهش‌های لتی (۲۰۰۵)، سلم (۲۰۰۲)، اسکورن (۱۹۹۸) و قره باغی (۱۳۸۹) همسو است به این معنی که میزان تمایز یافتگی به طور مستقیم و غیر مستقیم با سازگاری اجتماعی رابطه دارد. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت که طبق نظر بوئن افراد بیشتر تمایز یافته قادرند تا سازگاری بیشتری داشته باشند، این در حالی است که افراد کمتر تمایز یافته در شرایط استرس ناکارآمدی بیشتری از خود نشان می‌دهند در نتیجه سازگاری اجتماعی آنان مختل می‌شود (پاپکو، ۲۰۰۲). کیفیت ارتباطات خانوادگی در خانواده، مهارت‌های اجتماعی لازم را برای سازگاری اجتماعی بهتر به افراد می‌آموزد، خانواده است که با ایجاد آمیختگی عاطفی یا استقلال عاطفی در فرد او را فردی سازگاری از نظر اجتماعی بار می‌آورد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که رگرسیون سازگاری اجتماعی از روی مولفه‌های تمایز یافتگی، از لحاظ آماری معنادار است و این مولفه‌ها بخشی از واریانس سازگاری اجتماعی را تبیین می‌کند. یعنی می‌توان چنین استنباط کرد که از میان چهار مولفه تمایز یافتگی سهم سه مولفه در تبیین واریانس سازگاری اجتماعی نقش معناداری دارند.

درباره‌ی تبیین احتمالی در مورد نتایج فوق‌میتوان گفت که طبق نظر بوئن (۱۹۷۸) در مواقعی که افراد در موقعیت‌های سخت و مشکل قرار می‌گیرند به سختی می‌توانند بین نظام عاطفی و عقلانی خود تمایز شوند در نتیجه چنین افرادی واکنش عاطفی بیشتری در مقایسه با واکنش عقلانی نسبت به محیط اطراف خود نشان خواهند داد که نتیجه‌ی آن عدم سازگاری اجتماعی می‌باشد. سلم (۲۰۰۴) در تحقیق خود ذکر می‌کند که کارکرد انسانها در پیوستاری از پایین‌ترین تا بالاترین درجه تمایز یافتگی قابل شناسایی است بدین معنی که هر چقدر تمایز یافتگی بالاتر باشد کارکرد نیز بالاتر است و بالعکس و چنین استدلال می‌کند که تمایز یافتگی بیشتر افراد توانایی بیشتری در جداسازی بین کارکرد عقلانی از واکنش عاطفی در شرایط بحران و استرس به فرد می‌دهد به عبارت دیگر در افراد تمایز یافته الگوهای تنظیم تمایز بین فردیت و صمیمیت به خوبی تنظیم شده‌اند در نتیجه دچار واکنش عاطفی نمی‌شوند و نیز سازگاری آنان مختل نمی‌شود.

نتایج نشان داد بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی در دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. این یافته با تحقیق احمدی (۱۳۸۸) که در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در مولفه‌های جایگاه من، آمیختگی عاطفی و کل تمایز یافتگی بین دوجنس تفاوت معناداری وجود دارد و این تفاوت به این شکل است که دانشجویان مرد در مولفه‌های جایگاه من و کل تمایز یافتگی و دانشجویان زن در آمیختگی عاطفی میانگین بالاتری به دست آوردند، همسویی دارد.

نتایج بیشتر پژوهش‌ها حکایت از وجود رابطه معنادار میان جنسیت و تمایز یافتگی دارد. که همگی بیان کردند که همبستگی عاطفی دختران بیشتر از پسران است و این تفاوت نیز در موضوع استقلال عاطفی صدق میکند یعنی میزان استقلال عاطفی دختران و پسران تفاوت دارد که این تفاوت به نفع پسران می‌باشد. دویی (۱۹۹۳) و مک براید (۱۹۹۰) در مطالعات خود دریافتند که اکثر زنان و دختران بیشتر وقت و زمان خود را صرف یافتن و حفظ ارتباط با یک شخص بکار می‌گیرند تا به این ترتیب خودشان را از طریق موفقیت در این ارتباط تعریف کنند (نقل از شریفی، ۱۳۸۴). در مجموع می‌توان گفت که تبیین احتمالی در مورد این نتیجه این است که الگوهای فرهنگی در این امر خیلی دخیل هستند؛ چون طبق الگوهای رفتاری دختران یاد می‌گیرند که همیشه جذاب و احساساتی باشند ولی مردان و پسران یاد می‌گیرند که جسور و بردبار باشند از این رو در جریان اجتماعی شدن و دریافت نقش جنسی در آنان تثبیت می‌شوند و نیز دلیل دیگر این می‌تواند باشد که چون دختران نسبت به پسران از لحاظ عاطفی حساس‌تر می‌باشند و بیشتر دوست دارند تا در جو عاطفی خانواده قرار بگیرند.

منابع

- احمدی، چیمن. (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه رابطه بین خودتمایزسازی و سبک‌های عشق ورزی در دانشجویان متأهل دانشگاه شهیدبهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر شده. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه شهید بهشتی.
- بیشی، عبدالباسط. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جمع‌گرایی فرهنگی، خودپنداره وابسته و سازگاری اجتماعی دانشجویان شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر شده دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه شهید بهشتی.
- سلیمان نژاد، اکبر. (۱۳۸۸). تاثیر روان‌نمایشگری بر افزایش تمایز یافتگی فرد از خانواده در دانشجویان پرستاری. *مجله پزشکی ارومیه*، ۲۱، ۳۷-۴۷.
- قره‌باغی، فاطمه. (۱۳۸۹). نقش نظام عاطفی خانواده در کیفیت رابطه با والدین، روابط اجتماعی و سلامت. *اولین همایش کشوری دانشجویی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت*. تهران. ۲۲-۲۱.
- یارمحمدیان، احمد و شرفی راد، حیدر. (۱۳۸۹). تحلیل رابطه‌ی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در نوجوانان. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۴، ۲۲، ۴۴.
- Bergman, A. (2005). Adjustment, social skills, and self-esteem in college student with symptom of ADHD. *Journal of child psychology and psychiatry*, 36, 265-278.
- Papko, P. (2002). Bowen Theory: A study of differentiation of self, social anxiety and physiological symptoms. *Contemporary family therapy*. 24, 2. Human sciences press.
- Para, A. & Oliva, A. (2009). A longitudinal research on the development of emotional autonomy during adolescence. *Spain J Psychol*, 12, 1.
- Rinn, A. N., & Cunningham, L. G. (2008). Using self-concept instruments with Highability college students: reliability and validity evidence. *Gifted Child Quarterly*. 52, 3, 232-242.
- Skowron, E. A. & Friedlander, M. L. (1998). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary family therapy*. 26, 3, 337-357.